



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و تکنولوژی آموزشی

برنام خدا



رشد مدرسه فردا

شماره ۶ / اسفند ۱۳۹۱ / دوره نهم / شماره پی درپی ۶۸

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان تربیت معلم

نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه را در تجربیات خویش شریک سازید. از شما عزیزان تقاضا داریم:

■ مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشد.

■ مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده در ارتباط با فناوری و کاربرد آن در کلاس درس نباشد.

■ مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.

■ نشر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.

■ در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع بیاورید.

۲ یادداشت سردبیر
خیلی دور، خیلی نزدیک

۳ علمی
آموزش در خانه، بدیل مدرسه / دکتر محمد عطاران

۵ گزارش
کابینی به وسعت دنیا / شیبا ملک

۱۲ گزارش
مستندسازی یک تجربه / فاطمه فضلعلی

۱۶ تجربه
دانش آموز ما تحلیل گری و محاسبه را تمرین می کند / هیوا علیزاده

۱۹ باتوق اولی ها
Shift به علاوه... / زینب گلزاری

۱۷ معرفی وبگاه
تور مجازی / علیرضا منسوب بصیری

۱۸ معرفی بازی
تخمین / انرگس لیاقتی مطلق

۲۰ طنز
آموزش غیر حضوری در ادبیات فارسی / رویا صدر

۲۲ معرفی نرم افزار
یک نرم افزار ساده / جواد حسین پور

۲۳ سؤال از شما
پرسش و پاسخ رایانه ای / مرتضی سیداحمدپور

۲۴ رایانگار
طراحی کارت / مطهره معینی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: محمد عطاران

شورای برنامه ریزی و کارشناسی: شیبا ملک، سیده فاطمه شبیری، زینب گلزاری

مدیر داخلی: بهناز پور محمد

ویراستار: بهروز راستانی

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

چاپ: افست (سهامی عام)

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۰۲۱ ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

دفتر مجله: ۱۱۲

امور مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۰۲۱

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام نگار: E-mail: farda@roshdmag.ir

خیلی دور، خیلی نزدیک

به نظر نگارنده، به عنوان سردبیر نشریه‌ای که در حوزه فناوری اطلاعات می‌نویسد، پاره‌ای تجربه‌ها در جهان درس آموزند. در حال حاضر دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه معروف «ام‌آی‌تی»، به کمک دو بنیاد خیریه، زمینه آموزش غیرحضوری را در درس‌های متفاوت از طریق اینترنت برای تمام مشتاقان دانش فراهم کرده‌اند تا به نحوی، شکاف عظیمی را که در جهان معاصر میان کشورهای شمال و جنوب وجود دارد، ترمیم کنند. می‌دانیم خیرین مدرسه‌ساز در ایران نهضتی را به وجود آورده‌اند که در دور دسترس‌ترین مناطق ایران شاهد ساخت بهترین مدارس بوده‌ایم؛ به نحوی که در حادثه زلزله منطقه اهر، گاه در برخی مناطق، تنها مدرسه روستا به دلیل ساخت خوب و مستحکم برپا ماند. بدین قیاس می‌توان نهضتی را در آموزش و پرورش ایران فراهم کرد تا خیرین مدرسه‌ساز امکاناتی را در مناطق محروم فراهم کنند که معلمان و دانش‌آموزان این مناطق بتوانند از آموزش‌های غیرحضوری بهره‌مند شوند.

نگارنده چند ماه پیش به دلالت یکی از دوستان تحریریه نشریه با دو وبگاه آشنا شدم که شماری از دانشجویان ایرانی که در آمریکا درس می‌خوانند، آن‌ها را راه انداخته‌اند. این دانشجویان در دوره‌های دکترا در بهترین دانشگاه‌های آمریکا مشغول تحصیل‌اند. آن‌ها چون خود را مدیون جامعه ایرانی می‌دانند، این وبگاه را راه انداخته‌اند که آموزش رسمی مدارس را به صورت رایگان و با کیفیت بالا در اختیار دانش‌آموزان ایرانی قرار دهند. آیا می‌توان خواست که آموزش و پرورش ایران که به سرعت در حال توسعه امکانات فناورانه در مدارس است، با کمک خیرین مدرسه‌ساز و توجیه آن‌ها، همتی کند و امکان اتصال مناطق محروم و معلمان مشتاق آموزش به فرزندان محروم این سرزمین را به بستر آموزش مجازی فراهم آورد؟ شاید فاصله‌ها اندکی کاهش یابند و فرصت‌های برابر آموزشی چندان دور از دسترس نباشند.

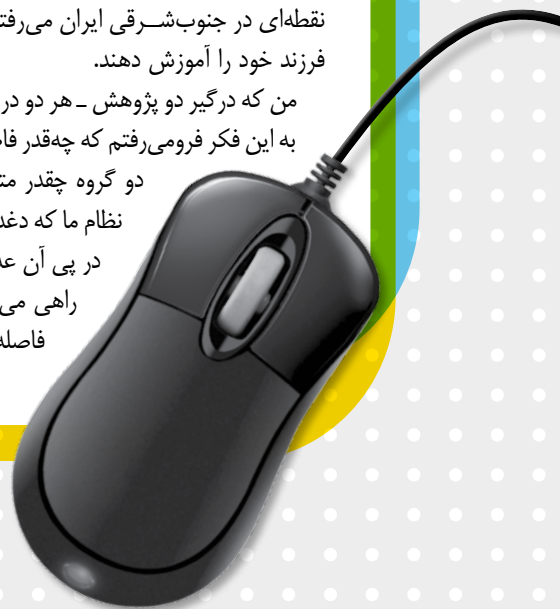
پانویس

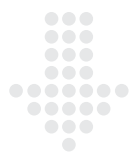
۱. بخش‌هایی از یادداشت‌های این معلم را در شماره‌های ۲، ۴، ۶ و ۸ دوره پانزدهم مجله رشد آموزش ابتدایی (آبان ماه تا اردیبهشت ۹۱) به چاپ رسید.

سال گذشته هم‌زمان مشغول دو پژوهش بودم. یکی از پژوهش‌ها با شیوه روایی انجام می‌شد و مبنای تحلیل آن روایت‌هایی بود که معلم مدرسه‌ای عشایری در ایران نوشته بود. خاطرات یک سال تحصیلی که در حدود ۲۱۰ صفحه می‌شد و سرشار از عشق یک معلم به دانش‌آموزانش بود. معلمی که در کانکس با فانوس زندگی می‌کرد و هربار که به شهر می‌آمد، خاطراتش را تایپ می‌کرد و برای من می‌فرستاد. هم‌زمان و با فاصله‌ای اندک مشغول پژوهشی دیگر شدم که در آن خانواده‌هایی ترجیح داده بودند به جای آنکه فرزندان خود را به مدرسه بفرستند، خود آموزش فرزندان را عهده‌دار شوند. همگی از طبقه متوسط یا متوسط به بالا بودند و با عشقی عجیب که به تعلیم و تربیت فرزندان‌شان داشتند، حداقل یکی از والدین یا در برخی موارد پدر و مادر - هر دو - خود مدیریت تعلیم و تربیت فرزندان را به عهده گرفته بودند.

معلم عشایر در خاطراتش آورده بود که برای گرفتن امتحان در پایان سال به نقاط متفاوت منطقه رفته و از تک‌تک دانش‌آموزان امتحان گرفته است. شرح ماجراهای او، گذشتن از رودخانه، چند کیلومتر راه رفتن و به چادر دانش‌آموز رسیدن و در کنار گاو و گوسفندها از دخترک دانش‌آموز امتحان گرفتن، نشان از شوق معلم داشت. در آن سو نیز، والدین برای اینکه بچه‌هایشان بتوانند همه چیز را به‌طور طبیعی و در بهترین شکل بیاموزند، همراه با آن‌ها سفر می‌رفتند. مثلاً با فرزندان‌شان سوار هواپیما می‌شدند و به نقطه‌ای در جنوب شرقی ایران می‌رفتند تا به بهترین شکل فرزند خود را آموزش دهند.

من که درگیر دو پژوهش - هر دو در ایران - شده بودم، گاه به این فکر فرومی‌رفتم که چه قدر فاصله‌ها زیاد است و این دو گروه چه قدر متفاوت‌اند! راستی برای نظام ما که دغدغه عدالت اجتماعی و در پی آن عدالت آموزشی دارد، آیا راهی می‌توان جست که بتوان فاصله‌ها را کمتر کرد؟





آموزش در خانه، بدیل مدرسه

● دکتر محمد عطاران
● عکس: اعظم لاریجانی

اشاره

سال گذشته در بحث مدارس مجازی در نشریه «رشد مدرسه فردا»، به رویکرد «آموزش در خانه» به عنوان یکی از دلایل رشد مدارس مجازی اشاره کردیم. در شماره حاضر به این موضوع که پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نیز موجب رشد آموزش در خانه شده است می‌پردازیم و به‌عنوان نظام بدیل مدرسه، خاستگاه و پیامدهای فردی و اجتماعی آن را بررسی می‌کنیم.

مقدمه

در اغلب کشورها تصویر آموزش عمومی در جایی به جز مدرسه ممکن نیست. قابل تصور نیست ولی در برخی کشورها در عین اجباری بودن آموزش عمومی، به دلایل متفاوت آموزش غیرمدرسه‌ای کودکان پذیرفته شده است. در آمریکا از دهه ۱۹۷۰ بحث آموزش کودکان در خانه به دلایل گوناگون مطرح شد و پس از دو دهه به‌عنوان نظام آموزشی بدیل نظام رسمی آموزشی و مدرسه‌ای پذیرفته شد.

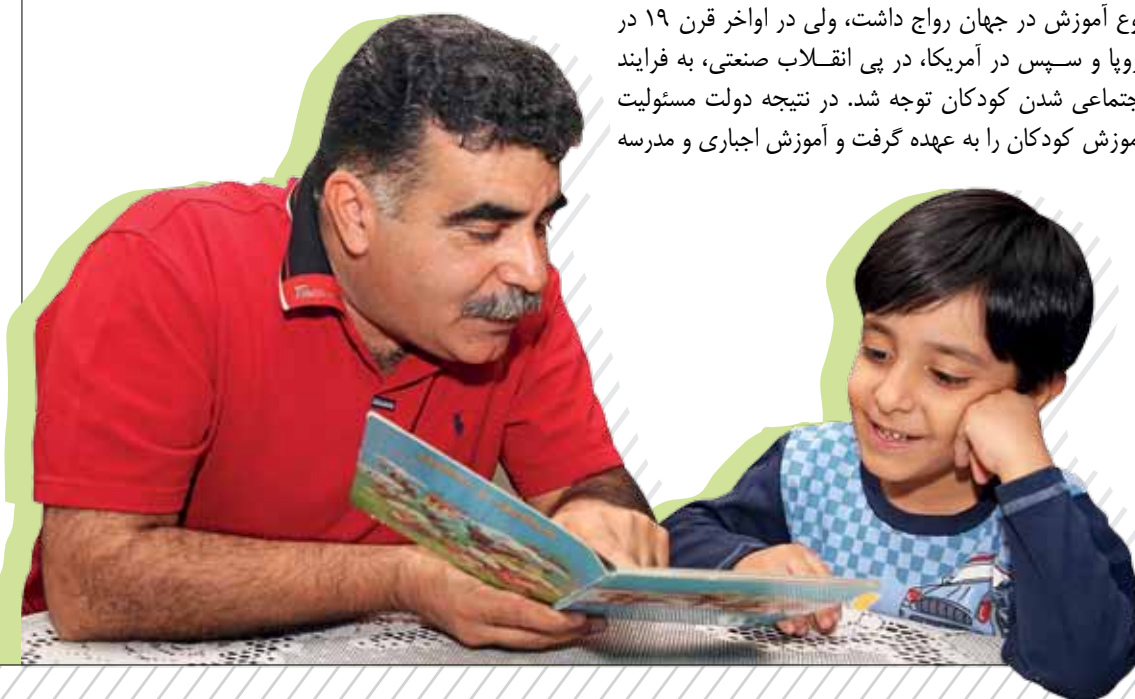
آموزش در خانه، به آموزش کودکان در خانه گفته می‌شود. این نوع آموزش توسط والدین، معلم خصوصی یا معلم سرخانه انجام می‌شود. تا پیش از انقلاب صنعتی این نوع آموزش در جهان رواج داشت، ولی در اواخر قرن ۱۹ در اروپا و سپس در آمریکا، در پی انقلاب صنعتی، به فرایند اجتماعی شدن کودکان توجه شد. در نتیجه دولت مسئولیت آموزش کودکان را به عهده گرفت و آموزش اجباری و مدرسه

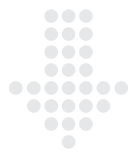
رواج یافت.

مدرسه در مفهوم مدرن با ویژگی‌های زمان مشخص، دروس معین و انضباط خاص، پدیده‌ای مدرن و محصول انقلاب صنعتی است.

برخی معتقدند که مدرسه به دوران مدرن تعلق دارد و در دوران پست‌مدرن باید به گونه‌ای دیگر باشد. با انقلاب فناوری، مواد آموزشی بیشتر در دسترس قرار گرفته‌اند و سهم افراد در تولید دانش فزونی یافته است. افراد می‌توانند سهم بیشتری در تولید دانش داشته باشند؛ چون ابزار آن را دارند. از سویی، توافق درباره حقایق در عصر پست‌مدرن کاهش یافته است. مدرسه دیگر نمی‌تواند بر عقیده‌ای که خود درست می‌داند، پای بفشرد و اصرار در انتقال آن به کودکانی داشته باشد که در عصر پست‌مدرن با عقاید گوناگون و متفاوت زندگی می‌کنند. در عین حال، مدارس در مهیا کردن کودکان برای زندگی در عصر جدید ناتوان‌اند. اقتدار دولت در تحمیل اراده خود به شهروندان، به‌خصوص در حوزه تعلیم و تربیت کاهش یافته است. امکان کارکردن از راه دور فراهم آمده است و مسائلی دیگر که ضرورت بازبینی نقش مدرسه در تربیت کودکان را آشکار می‌سازند.

«آموزش در خانه» که پدیده‌ای پیشامدرن محسوب می‌شد،





اینک در شکلی جدید، رقیب مدرسه همچون پدیده‌ای مدرن شده است. این نوع آموزش، بدیل مدارس دولتی و خصوصی محسوب می‌شود. والدینی که از «آموزش در خانه» حمایت می‌کنند، دلایل خود را به اشکال مختلف بیان می‌کنند؛ از جمله علاقه به اینکه فرزندشان در آزمون‌های سراسری نتایج بهتری کسب کند، نازرستی از مدارس دولتی و خصوصی، علاقه‌مندی به ترتیب اخلاقی و پرورش شخصیت فرزندانشان، سنگین بودن هزینه آموزش در مدارس خصوصی، نارضایتی از آنچه در مدارس آموزش داده می‌شود؛ دلایل مذهبی، و مانند این‌ها. همچنین، کسانی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند، اقامت موقت در خارج دارند یا می‌خواهند امکان بیشتری برای سفر داشته باشند، ترجیح می‌دهند در خانه تعلیم ببینند. برخی والدین دوست دارند قدرت انتخاب داشته باشند و نمی‌خواهند فرزندان خود را به مدرسی

بفرستند که در قالب نظام‌های متمرکز اداره می‌شوند. در این نوشته به تاریخچه «آموزش در خانه»، علل توسعه آن و تأثیر آن بر آموزش و پرورش می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: آموزش در خانه، آموزش و پرورش، والدین

تاریخچه «آموزش در خانه»

نهضت «آموزش در خانه»، نخستین بار در آمریکا پدیدار شد. البته پیش از آن نیز برخی جنبش‌های اجتماعی با نهاد مدرسه مخالفت می‌کردند؛ مانند جنبش «هیپی‌ها» که با مدرسه مخالف بود. ولی آنچه در دهه نود در آمریکا اتفاق افتاد و مخالفت‌هایی که به نهضت «آموزش در خانه» منجر شد، از جنس و ماهیت دیگری بود.

ون گالن^۲ (۱۹۸۶)، به نقل از: نولز، مارلو و ماچمور^۳ (۱۹۹۲) معتقد است، والدین آمریکایی که ترجیح می‌دهند فرزندانشان در خانه آموزش ببینند و آنان را به مدرسه نفرستند، دو گروه هستند: گروهی که دلایل ایدئولوژیک دارند و گروهی که دلایل تربیتی ارائه می‌کنند.

گروه نخست چون ایدئولوژی حاکم بر مدارس را مخالف اعتقادات خود می‌بینند، با رفتن کودکانشان به مدرسه موافق نیستند. آن‌ها کودکان خود را از مدرسه به خانه می‌آورند و سعی می‌کنند برنامه رسمی را به خانه انتقال دهند. حتی ممکن است از مواد آموزشی مدرسه استفاده کنند، ولی با تأکیدی که بر ارزش‌های اعتقادی و ایدئولوژیک خود دارند. گروه دوم مدرسه را به لحاظ ساختاری معیوب می‌دانند و

معتقدند که مدارس به لحاظ تربیتی ناکارآمدند. آنان میان «مدرسه رفتن» و «تعلیم و تربیت»^۴ تفاوت قائل‌اند. مدرسه را دارای برنامه نظام‌دار، درس‌های معلم مدار و تشویق و تنبیه بیرونی می‌دانند و معتقدند که مدرسه رفتن مستلزم انگیزش خارجی دانش‌آموز است؛ در حالی که تعلیم و تربیت مستلزم رشد یادگیرنده و مسئولیت‌پذیری او در مقابل آموخته‌هاست.

از منظر تربیتی، برخی والدین با نظام کاملاً ساختار یافته مدرسه مخالف‌اند و معتقدند جایی که معلم مالک دانش است، دانش‌آموزان گیرنده‌اند و مدرسه در ساختار خود موضوعات خاص را با روش‌های معین در دوره‌های مشخص آموزش می‌دهد، خلاقیت از بین می‌رود و میل به یادگیری کاهش می‌یابد.

نولز و همکاران او (۱۹۹۲) برای نهضت آموزش در خانه در آمریکا از پنج مرحله نام می‌برند. این پنج مرحله به شرح زیرند:

«آموزش در خانه» که پدیده‌ای پیشامدرن محسوب می‌شد، اینک در شکلی جدید، رقیب مدرسه همچون پدیده‌ای مدرن شده است

۱. نازرستی از وضعیت آموزش عمومی به دلایل سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک موجب افزایش شمار خانواده‌هایی شد که آموزش کودکان در خانه را بر آموزش در مدرسه ترجیح می‌دادند.

۲. میان خانواده‌هایی که ترجیحشان آموزش فرزندان در مدرسه بود با مدارس و مقامات رسمی آموزش و پرورش اختلاف به وجود آمد. این موضوع به‌درگیری میان ادارات آموزش و پرورش در آمریکا و اتحادیه معلمان از یک سو و والدین از سوی دیگر منجر شد. به گونه‌ای که فشار ادارات و معلمان در پاره‌ای از موارد موجب پنهان شدن خانواده‌ها از دید مسئولان آموزش و پرورش و یا مهاجرت خانواده‌ها به ایالت‌های دیگر شد. دعوای زیادی نیز علیه والدین در دادگاه‌ها اقامه شد؛ با این ادله که والدین صلاحیت لازم را برای تربیت فرزندان خود ندارند یا «آموزش در خانه» موجب به هم ریختن ارزش‌های آمریکایی و از بین رفتن وحدت ملی می‌شود.

۳. نتیجه دعوای حقوقی و مناقشات خانواده‌ها و ادارات آموزش و پرورش، غالباً به صدور رأی به نفع خانواده‌ها منجر شد. مدارس و اتحادیه‌های معلمان چون خود را بازنده دادگاه‌ها می‌دیدند و حضور در محاکم حقوقی، زمان و انرژی زیادی از آن‌ها می‌برد، به ناچار مجبور به سازش با خانواده‌ها شدند. در پاره‌ای موارد، مدارس امکانات خود مانند کتابخانه، لوازم آزمایشگاه، سایت رایانه، کلاس‌های فوق برنامه و مانند این‌ها را در اختیار خانواده‌ها قرار دادند. حتی در پاره‌ای از ایالات آمریکا، اداره آموزش و پرورش معلمانی را برای کمک به





خانواده‌ها در نظر گرفت و با آن‌ها برای برنامه‌ریزی «آموزش در خانه» همکاری کرد.

۴. در این مرحله خانواده‌هایی که به نوعی در جامعه از بابت انتخاب خود در آموزش فرزندان، طرد شده بودند، براساس علائق مشترک مانند علائق اعتقادی، مالی و اجتماعی به ایجاد شبکه میان خانواده‌ها اقدام کردند؛ به‌خصوص خانواده‌هایی که مسیحی و مذهبی بودند و به کلیسای مشترکی تعلق داشتند. به این ترتیب آموزش در خانواده تثبیت شد. البته عوامل دیگری نیز موجب تثبیت وضعیت این خانواده‌ها شد. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

الف) تغییر نگرش مردم و لیبرال شدن آن‌ها، به‌خصوص تغییر لحن رسانه‌ها درباره «آموزش در خانه».

ب) تداوم مشکلات مدارس دولتی و برآورده نشدن انتظارات والدین.

ج) انتشار تحقیقات دانشگاهی که باورهای رایج درباره «آموزش در خانه» را نفی می‌کرد؛ باورهایی مانند عدم امکان تربیت اجتماعی کودکان در خانه یا ضعف تحصیلی کودکان که به این نحو آموزش می‌بینند.

د) ایجاد شبکه‌های ملی، ایالتی و محلی از طریق انتشار کتاب‌ها، نشریات و سازمان‌های والدین.

ه) انتشار شمار نسبتاً زیاد کتاب درباره روش آموزش در خانه توسط والدین یا ناشران تجاری. کسانی مانند ریموند مور و جان هالت^۷ با انتشار کتاب‌های متعدد درباره آموزش در خانه، حمایت زیادی از رویکرد آموزش در خانه کردند.

و) ارائه برنامه‌های آموزش مکاتبه‌ای که سعی کردند بازار «آموزش در خانه» را در دست بگیرند.

۵. با افزایش شمار خانواده‌های معتقد به آموزش در خانه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به تدریج تفاوت انگیزه‌ها و عقاید آن‌ها درباره آموزش در خانه آشکار شد.

به تدریج پدیده آموزش در خانه به سایر کشورها هم تسری یافت. کشورهایی مانند کانادا، استرالیا، ژاپن و کره جنوبی از جمله کشورهایی هستند که این پدیده در آن‌ها ملاحظه می‌شود.

به تدریج پدیده آموزش در خانه به سایر کشورها هم تسری یافت. کشورهایی مانند کانادا، استرالیا، ژاپن و کره جنوبی از جمله کشورهایی هستند که این پدیده در آن‌ها ملاحظه می‌شود.

آموزش در خانه: پیامدها و مسائل

تحقیقات نشان می‌دهند که آموزش در خانه تأثیری عمیق و اساسی بر سبک زندگی می‌گذارد. این تغییر در سطوح متفاوت و جنبه‌های گوناگون زندگی، اعم از جنبه‌های شغلی، ساختار

خانواده و بهداشت تأثیر می‌گذارد.

اوپرام و نوم^۸ (۲۰۰۳) معتقدند که ایراد پارهای از خانواده‌ها به نظام مدرسه‌ای، ناشی از خاطرات منفی آن‌ها از دوره کودکی است یا ناخرسندی از وضعیتی که کودکانشان به لحاظ تربیتی با آن مواجه‌اند. در ایران نیز بسیاری از کسانی که تجربه مدرسه رفتن را داشته‌اند و در عین حال در عرصه‌های علم و دانش آوازه‌ای دارند، یا خود از مدرسه و مراکز آموزش رسمی تجربه‌ای ناخوشایند دارند یا آنکه از مدرسه‌های فرزندان‌شان رضایت ندارند.

شفیعی کدکنی، از استادان بنام ادبیات ایران، در گفت‌وگویی می‌گوید: «... پدر و مادرم دلشان می‌خواست که من مجتهد بشوم. به‌همین دلیل مرا به مدرسه نفرستادند. من هم از این بابت در آغاز خیلی دلگیر بودم. چون که می‌دیدم که بچه‌های همسایه‌مان صبح‌ها کیف‌هایشان دستشان است، می‌روند مدرسه» (مصاحبه با دکتر شفیی، ۱۹۹۴).

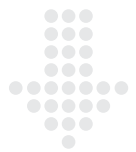
شفیعی کدکنی همچنین نهایت شادمانی خود را از نرفتن به مدرسه اظهار می‌دارد: «من از اینکه به مدرسه، یعنی به دبستان و دبیرستان نرفتم، بسیار خوش‌حالم... یک عنایت الهی بود که پدرم مرا به سیستم طلبگی کشاند... من از این بابت نه تنها دلخوری‌ای ندارم، بلکه بارها و بارها خدا را شکر کرده‌ام... الان می‌بینم که بچه‌های من در دبستان و دبیرستان واقعاً عمرشان ضایع است...» (مصاحبه با دکتر شفیی، ۱۹۹۴).

پارهای از مترجمان نامور ایرانی، توانایی خود را حاصل آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای یا دانشگاهی نمی‌دانند. در کتاب «گفت‌وگو با مترجمان»، این مترجمان نامور، همگی به شکل‌های متفاوت بیان می‌کنند که آنچه آن‌ها را در عرصه ترجمه توانمند کرده است، حاصل آموخته‌هایشان در مدرسه و دانشگاه نیست. از آن میان کامران فانی که کارشناسی خود را در ادبیات فارسی گرفته است، می‌گوید: «برای رفتن به دنبال ادبیات نو، لزوماً نباید به دانشکده رفت» (علی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۶). یا عبدالله کوثری که در دانشگاه به دنبال رشته اقتصاد رفته است، اظهار می‌دارد: «فکر می‌کردم ادبیات را که خودم دارم می‌خوانم، پس بروم علمی یاد بگیرم» (همان: ۳۸).

سیدرضا حسینی، مترجم آثار برجسته از زبان ترکی و فرانسوی به فارسی، می‌گوید دلیل کتاب خواندن او یکی از کتاب‌فروشی‌های شهرش، اردبیل بوده است که از آن کتاب کرایه می‌کرده است (همان، ص ۹۶).

تحقیقات نشان می‌دهند که آموزش در خانه تأثیری عمیق و اساسی بر سبک زندگی می‌گذارد. این تغییر در سطوح متفاوت و جنبه‌های گوناگون زندگی، اعم از جنبه‌های شغلی، ساختار خانواده و بهداشت تأثیر می‌گذارد





مهدی سحابی نیز که به سه زبان مسلط است، می‌گوید: «زبان‌ها را همین‌طور عشقی یاد گرفتیم یا توی زندگی» (همان: ۱۱۸).

خصلت مشترک همه این مترجمان آن است که هیچ یک در رشته‌ای که درس خوانده بودند، ادامه کار نداده‌اند. دو تن از آن‌ها رشته پزشکی را رها کرده و به‌سوی علائق خود رفته‌اند. یکی از آن‌ها ترجمه را کار اصلی و وسیله معاش خود ساخته است. آن دیگری که از دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شده، رمان‌های بزرگ و دشواری را به زبان فارسی برگردانده و مترجمی حرفه اصلی او شده است. دو تن از آن‌ها در شرکت نفت کارمند بوده‌اند، ولی عشق آن‌ها ادبیات و ترجمه بوده است.

ظاهراً مدرسه‌ها و دانشگاه‌های ما از همان بدو تأسیس، با وجود خدمات فراوان به جامعه ایرانی، در تحقق و نیل به اهداف خود کاملاً موفق نبوده‌اند و بسیاری از آموخته‌های مشاهیر ایران در خارج از محیط آموزشی و در متن جامعه به دست آمده‌اند. عبدالحسین آذرنگ، در کتاب «استادان و ناستادانم»، به‌گونه‌ای شگرف آموخته‌های خود را عمدتاً مرهون محیط‌های غیررسمی و به جز مدرسه و دانشگاه می‌داند. گلایه او از محیط‌های رسمی آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه بیش از آن است که خود را وام‌دار و مرهون آن‌ها بداند.

به هر روی، آموزش در خانه به والدین مجال می‌دهد هم با تجربه‌های منفی کودکی خود در مدرسه و خانواده کنار بیایند و هم به‌نحوی با کودکان‌شان رفتار کنند که دوست داشتند در دوره کودکی با خودشان رفتار شود. همچنین، آموزش در خانه موجب می‌شود که کودک در آغوش خانواده قرار گیرد و تعامل بیشتری با خانواده داشته باشد. به‌دلیل اینکه علی‌الاصول آموزش در خانه رویکردی است که در آن یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها به میزان بیشتری درگیر آموزش کودکان خود می‌شوند، ملزم به ارتباط بیشتری با کودکان خود خواهند بود و این خود موجب تعامل بیشتر کودکان و والدین با یکدیگر و تقویت انسجام خانوادگی و محبت بیشتر بین والدین و فرزندان آن‌ها می‌شود.

اری (۲۰۰۳) معتقد است در برخی از موارد پس از آموزش در خانه، علاقه اندک والدین یا یکی از آن‌ها به کودک به محبت تبدیل شده است. بسیاری از خانواده‌ها پیوند میان اعضای خانواده را پیمادی غیر منتظره می‌دانند که در عمل واقع شده و انگیزه اصلی آن‌ها در انتخاب خانه برای آموزش نبوده است.

البته تأثیرات آموزش در خانه به موارد پیش گفته منحصر نیست. اویرام و نومن (۲۰۰۳) معتقدند که رویکرد آموزش در خانه موجب انقلاب پارادایمی در خانواده می‌شود و سبک تازه‌ای در زندگی خانواده ایجاد می‌کند که بر همه ابعاد آن تأثیر می‌گذارد. این تغییر سبک را می‌توان در دو مفهوم محوری بیان کرد: مفهوم بیداری و مسئولیت‌پذیری و مفهوم انعطاف و آسان‌گیری.

بیداری و مسئولیت‌پذیری

روند کار نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که رویکرد آموزش در خانه را برای تربیت فرزندانشان برمی‌گزینند، تصمیم‌گیری‌هایشان درباره فرایند اجتماعی شدن فرزندانشان توأم با مسئولیت‌پذیری بیشتر و انتخاب آگاهانه است. تا پیش از این، خانواده بسیاری از امور را به فرایند اجتماعی شدن که به‌طور متعارف در مدرسه انجام می‌شد، واگذار کرده بود، ولی پس از تغییر رویکرد، بسیاری از امور در معرض تردید قرار می‌گیرند و انتخاب‌ها هوشمندانه می‌شوند و در نحوه کار، گذران اوقات، درمان، بهداشت و مانند این‌ها تغییرات اساسی به‌وجود می‌آید. حتی در سطحی بالاتر، تصور کلی خانواده درباره زندگی، انتظارات از زندگی و نحوه تحقق این انتظارات تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، تغییر در نوع آموزش خانواده به نوعی فلسفه زندگی را نیز متحول می‌سازد.

تا پیش از انتخاب رویکرد آموزش در خانه، میزان انتخاب خانواده‌ها محدود است و راهی را که بسیاری رفته‌اند، می‌روند. ولی پس از این انتخاب، انتخاب‌های دیگری مطرح می‌شوند و باید هرچیزی را بررسی و بازبینی کنند. تعارضاتی که مستلزم انتخاب است، فزونی می‌یابد. در بسیاری از امور باید به کسب

والدین باید خودشان مسئولیت را بپذیرند. شکست و پیروزی مال خود آن‌هاست. البته مسئولیت‌پذیری بیشتر مستلزم کسب دانش بیشتر و تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه‌تر است





به ازدیاد درگیری والدین در تربیت فرزندان است. در سطحی از درگیری، والدین صبح کودک را به مدرسه می‌آورند و تحویل می‌دهند و عصر هم تحویل می‌گیرند یا آنکه خود کودک به مدرسه می‌رود و برمی‌گردد. به تعبیری، مدرسه پارکینگ کودکان است و والدین از بابت بسیاری امور فرزندان، خاطر خود را آسوده کرده‌اند. در طرف دیگر طیف، خانواده همه مسئولیت را خودش پذیرفته و به تمامی با انتخاب رویکرد آموزش در خانه درگیر مسائل فرزند خود است.

سطح اول سطح انتقال است؛ انتقال کودک از خانه به مدرسه و برعکس. البته در این سطح، انواع درگیری‌ها را هم داریم: شرکت در انجمن اولیا و مربیان، همراهی با معلمان در اردوها، ارائه سخنرانی، تدریس برخی دروس و مانند این‌ها. نمونه مدارس هیئت امنایی در ایران شاید سطحی دیگر از درگیری والدین را نشان دهد. به هر روی، درواقع با رشد آموزش در خانه به تدریج وظایف مدرسه یا بهتر است بگوییم دولت‌ها به خانواده منتقل می‌شود. این، انتخابی است که والدین می‌کنند و به این ترتیب، عملاً حوزه نفوذ دولت‌ها کاهش می‌یابد. دولت‌ها هم به مانند آغاز دوره مدرن و پیش از آن، اقتدار لازم را برای تحمیل اراده خود بر مردم ندارند. درواقع در اینجا بحث آزادی فردی و حدود اختیار دولت‌ها برای ایجاد محدودیت در انتخاب شهروندان نیز مطرح می‌شود.

پی‌نوشت

1. Homeschooling
2. Van Galen
3. Knowles Marlow & Muchmore
4. Schooling
5. Education
6. Raymond Moore
7. John Holt
8. Neuman & Aviram

منابع

۱. آذرنک، عبدالحسین؛ استادان و نالاستادانم. جهان کتاب. تهران. ۱۳۹۰.
۲. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ گفت‌وگو با دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، گاهنامه ویژه شعر نو، چاپ خارج، شماره ۱. ص ۳۲. ۱۹۹۴.
۳. علی‌نژاد، سیروس؛ گفت‌وگو با مترجمان. انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۸۸.
4. Arai, A. Bruce (2000). Reasons for Homeschooling in Canada, Canadian Journal of Education 25 (3),
5. Knowles, J. G., Marlow, S. E., & Muchmore, J. A. (1992). From pedagogy to ideology: Origins and phases of home education in the United States, 1970- 1990. American Journal of Education, 100 (2), 195-235.
6. Neuman, A & Aviram, A. (2003) 'Homeschooling as a Fundamental Change in Lifestyle'. Evaluation and Research in Education Vol. 17, No. 2 & 3, pp.

دانش و اطلاعات بپردازند و در بسیاری از امور باید مخاطره کنند. دیگر اثری از سرزنش معلم، هم‌کلاسی‌ها و دوستان نیست و والدین باید خودشان مسئولیت را بپذیرند. شکست و پیروزی مال خود آن‌هاست. البته مسئولیت‌پذیری بیشتر مستلزم کسب دانش بیشتر و تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه‌تر است.

مدرسه دارای نظام ساختارمندی است که زمان در نحوه مدیریت آن نقش مهمی ایفا می‌کند. والدین می‌توانند شرایط ساختارمند کاری خود را با شرایط مدرسه تطبیق دهند. به بیان دیگر، در ساختار مدیریت مدرسه و شرایط شغلی والدین، زمان عنصر مشترک است. ولی آموزش در خانه این ساختار زمانمند را ندارد. درواقع، شرایط آموزش در خانه به‌گونه‌ای است که خانواده‌ها به ناگزیر از شرایط ساختارمند شغلی جدا می‌شوند؛ شرایطی که در آن، محیط کار و زمان انجام وظایف شغلی، براساس اراده دیگران طراحی شده است. حال آنکه آموزش در خانه به‌گونه‌ای است که زمان‌بندی کار والدین به حسب تصمیم خودشان مشخص می‌شود. حتی مکان کار نیز تغییر می‌کند و کار بیشتر در خانه انجام می‌گیرد.

آموزش در خانه فرایندی انعطاف‌پذیر و آسان‌گیر

در این رویکرد، به لحاظ نظری این تصور کمابیش مستقر می‌شود که خواه و ناخواه برخی از امور به‌طور طبیعی و بدون تعجیل انجام می‌شوند و لزومی به طراحی دقیق و برنامه‌ریزی شده نیست. بین جریان زندگی و آموزش فرقی دیده نمی‌شود و هر دو امری واحد تلقی می‌شوند.

در جریان زندگی واقعی نیز همه چیز را به‌طور قطعی نمی‌توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کرد. بسیاری از امور به‌صورت طبیعی و خارج از کنترل ما اتفاق می‌افتند. در نتیجه، نمی‌توان هدف بلندمدتی را برای آینده تعیین کرد. نمی‌توان بر این اساس برنامه آموزش بلندمدت در ذهن داشت. باید مهارت‌های کوتاه‌مدت را یاد گرفت؛ چرا که نمی‌دانیم در آینده چه چیزی لازم است یاد بگیریم. لذا در مقابل مسائل باید کاملاً منعطف باشیم.

در آموزش، هر درسی را نباید طراحی کرد. بسیاری از امور به‌طور طبیعی یاد گرفته می‌شوند؛ مثل موقعی که کودک با والدین خود به سفر می‌رود و درباره فاصله شهرها کنجکاو می‌شود. در این حالت می‌توانیم به او نقشه‌خوانی بیاموزیم؛ به‌جای اینکه این آموزش را در زمان مشخص و در درس معینی به او بدهیم. باید با جریان طبیعی زندگی حرکت کرد و محصولی طبیعی را در جریانی طبیعی به فرد ارائه کرد.

جمع‌بندی

آموزش در خانه به جز تغییر سبک زندگی، شاخص سطح رو





آشنایی با مؤسسه آموزش از راه دور صبا

● شیدا ملک
عکس: رضا بهرامی

کابینی به وسعت دنیا

دیگری در «مانیل»، همه در کلاس ادبیات آقای قربانی حاضرند. فضای عجیب و جالبی بود. هر معلم در کابین خود با تعدادی از کودکان ایرانی در نقاط دیگر جهان در گفت‌وگو بود. آموزش می‌داد و بازخورد می‌گرفت.

دوستانم در اتاق دیگری با خانم مظفری - مدیر آموزش مؤسسه - و چند تن از دبیران که در فاصله دو کلاس برای استراحت از کابین بیرون آمده بودند، گفت‌وگو می‌کردند. من هم به جمع آن‌ها ملحق شدم.

معرفی مؤسسه

«مؤسسه فرهنگی آموزشی زم کوثر شرق» مؤسسه‌ای خصوصی است که در سال ۱۳۸۷، با هدف ایجاد مؤسسه اینترنتی و دانشگاهی مجازی با ارائه مدل نوین آموزشی همراه با استانداردهای پیشرفته برای پوشش آموزشی ایرانیان مقیم خارج از کشور و آموزش زبان فارسی به آنان (برای ایرانیان خارج از کشور و غیر ایرانیان علاقه‌مند به یادگیری زبان فارسی و آموزش‌های کلاسیک نظیر دوره‌های آموزشی سازمان‌ها و مؤسسات گوناگون) تأسیس شد. مدرسه آموزش از راه دور «صبا»، واحد مدرسه‌ای این مؤسسه است که زیر نظر «اداره کل مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش» فعالیت می‌کند.

در حال حاضر، مؤسسه بیش از ۵۰۰ دانش‌آموز ایرانی از کشورهای فیلیپین، هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور، چین، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه، نیجریه، استرالیا، ایتالیا، لهستان، هلند، آلمان، فرانسه، انگلستان، بلاروس و کانادا دارد. در بعضی از این کشورها، مؤسسه دارای دفتر اداری است.

تا همین چند سال پیش آموزش از راه دور مرا به یاد آموزش مکاتبه‌ای و بسته‌های پستی می‌انداخت که از مؤسسه‌ای در قم برای دوستانم در تهران ارسال می‌شد؛ بسته‌هایی پر از نوار کاست و چند کتاب خودآموز. آن زمان چنین پدیده‌ای بسیار نادرانه بود. چرا که در دنیای آموزش، تهران تا قم دیگر فاصله‌ای نداشت. اما چندی بعد، ملاقات با دانشجویی که در ایران به صورت برخط (آنلاین) در حال گذراندن دوره اختر فیزیک در دانشگاهی در استرالیا بود، بر وسعت دید من نسبت به آموزش از راه دور بسیار افزود. امروز دیگر دیدن دوره‌های برخط در دانشگاه‌های معتبر جهانی کسی را متحیر نمی‌سازد. گویا واقعاً قرار است آموزش مرزهای زمان و مکان را نادیده بگیرد و یادگیری برای همه میسر باشد.

اما آیا ما همیشه مصرف‌کننده‌ایم؟ شاید برای شما هم چون من این سؤال مطرح شود که آیا چنین آموزش‌هایی به زبان فارسی برای بچه‌های ایرانی خارج از کشور امکان‌پذیر است؟ آیا چند سیدی و فیلم و کتاب نهایت بضاعت آموزش و پرورش ماست؟ شاید اگر به تشویق دوستان در آن بعد از ظهر سرد پاییزی پا به «مؤسسه آموزش از راه دور صبا» نگذاشته بودم، همچنان در حسرت کاری مشابه آموزش‌های دانشگاه‌های خارجی می‌ماندم.

از پله‌ها که بالا رفتم، در مؤسسه باز شد و چند اتاقک شیشه‌ای کابین شکل را دیدم که در آن‌ها معلمانی پشت به من و رو به صفحه نمایش رایانه مشغول کار بودند:

- آهان، آفرین!

- بچه‌ها گوش کنید! حواستون به منه؟

یکی در «میلان»، دیگری در «بوژبی» آن



ما فقط اسامی دانش‌آموزان را به دفتر مدارس خارج از کشور آموزش و پرورش تحویل می‌دهیم. آن‌ها سؤال را می‌فرستند و آزمون را در یک دفتر دولتی مثل سفارتخانه یا کنسولگری ایران در هر کدام از این کشورها برگزار می‌کنند

پیغام یا سؤال بگذارد و یا حتی به پیغام خود، فایلی ضمیمه کند. معلم قبل از کلاس بعدی، پیغام‌ها و سؤالات بچه‌ها را به همراه تکالیف آن‌ها واری می‌کند. نمره مستمر دانش‌آموزان، با توجه به وضعیت حضور و غیاب آن‌ها، میزان استفاده از سایت، سؤال و جواب و حضور فعال در کلاس، انجام تکالیفی که معلم برای آن‌ها می‌فرستد و نیز آزمون میان‌ترم داده می‌شود. خانم مظفری، مدیر آموزش مؤسسه، در مورد نحوه برگزاری آزمون‌های میان‌ترم و پایان‌ترم می‌گوید: «برای امتحانات میان‌ترم، با اولیای دانش‌آموزان هماهنگ می‌کنیم. سؤالات را برای آن‌ها با پست الکترونیکی می‌فرستیم، آن‌ها پس از برگزاری آزمون پاسخ سؤالات را اسکن می‌کنند و دوباره برای ما می‌فرستند. البته در کشورهایی که تعداد دانش‌آموزان زیاد است (مثل امارات و مالزی)، آزمون به صورت هماهنگ در دفتر مؤسسه در آن کشورها برگزار می‌شود. در ضمن، روز قبل از هر امتحان کلاس رفع اشکال هم داریم».

آزمون پایانی در اختیار ما نیست. ما فقط اسامی دانش‌آموزان را به دفتر مدارس خارج از کشور آموزش و پرورش تحویل می‌دهیم. آن‌ها سؤال را می‌فرستند و آزمون را در یک دفتر دولتی مثل سفارتخانه یا کنسولگری ایران در هر کدام از این کشورها برگزار می‌کنند. بعد دفتر مدارس خارج از کشور نمرات دانش‌آموزان را برای ما می‌فرستند. کیفیت آموزش مؤسسه در سطح خوب و قابل قبولی است. ما با همین سیستم غیرحضوری و با آزمون متمرکزی که آموزش و پرورش برگزار می‌کند، دانش‌آموزی داریم که با معدل بیست فارغ‌التحصیل شده است».

ارتباط با اولیا

اولیا می‌توانند از طریق سایت با مؤسسه ارتباط بگیرند و گزارش فعالیت فرزندانشان را در آنجا ببینند. به علاوه، اگر ارتباط از طریق رایانه برایشان مشکل باشد - که معمولاً چنین نیست - امکان تماس تلفنی نیز وجود دارد. به دلیل اینکه بچه‌ها بیشتر با سایت مرتبطاند، هر وقت نیاز باشد مؤسسه برای آن‌ها پیغام می‌گذارد که از اولیایشان بخواهند با مؤسسه تماس بگیرند. البته در این مواقع اتفاق‌های جالبی هم می‌افتد؛ مثلاً پیغام به دانش‌آموزانی می‌رسد که در سنین بالاتر مثلاً ۳۵ سال هستند و به مدد این سیستم، امکان ادامه تحصیل برایشان فراهم

در طول هفته، نزدیک به ۱۵۰ کلاس برخط ۹۰ و ۶۰ دقیقه‌ای برای دانش‌آموزان دبیرستان و دوره راهنمایی تحصیلی برگزار می‌شود. کلاس‌ها با حداقل یک و حداکثر حدود ۱۷ متقاضی (برای دروس عمومی) تشکیل می‌شوند. مؤسسه صبا در حدود ۱۵ نفر کادر اداری در مرکز تهران و حدود ۲۰ نفر کادر آموزشی دارد. دفتر اداری در ساعات اداری فعال است اما کلاس‌های مؤسسه که به دلیل اختلاف افق کشورهای گوناگون برای ساعات خاصی برنامه‌ریزی شده‌اند، تا ساعت ۷:۳۰ شب به وقت تهران ادامه دارند.

روند کار

نظام آموزشی مدرسه «ترمی-واحدی» است و در ابتدای هر ترم با توجه به متقاضیان هر درس، کلاس تعریف می‌شود. در صورتی که تعداد متقاضیان یک درس زیاد باشد، کار ساده‌تر است و می‌توان کلاس را در دو گروه و دو زمان متفاوت برگزار کرد اما اگر تعداد کم باشد، با توجه به اختلاف افق در کشورهای گوناگون، کلاس‌بندی به گونه‌ای انجام می‌شود که همه دانش‌آموزان بتوانند در زمانی مناسب از کلاس استفاده کنند. معمولاً کلاس‌ها در ساعتی تشکیل می‌شوند که به وقت کشورهای اروپایی، صبح و به وقت کشورهای آسیای جنوب شرقی مثل مالزی، حدود چهار بعد از ظهر است. کلاس‌ها کاملاً رسمی هستند و حضور دانش‌آموزان در کلاس ثبت می‌شود. در صورت غیبت غیرموجه بیش از سه جلسه نیز دانش‌آموز امکان دسترسی به کلاس برخط را از دست می‌دهد و تنها می‌تواند از فایل‌های آفلاین استفاده کند.

کلاس به طور کامل ضبط می‌شود (البته اگر معلم بخواهد قسمتی از کلاس ضبط نشود، می‌تواند ضبط را متوقف کند) و فایل ضبط‌شده کلاس روی سایت قرار می‌گیرد. به علاوه فایل کلاس‌های ضبط‌شده قبلی (مربوط به ترم‌های پیش و استادن متفاوت) نیز روی سایت مؤسسه - که اکثر فعالیت‌های مؤسسه از طریق آن انجام می‌شود - موجود است و دانش‌آموز امکان دسترسی به آن‌ها را دارد و می‌تواند هر کدام را که برایش مفیدتر است، هر چند بار که نیاز دارد، مشاهده کند. معلم می‌تواند سایر مواد آموزشی مثل فیلم، پویانمایی (انیمیشن)، آزمایشگاه مجازی و... را روی سایت قرار دهد. دانش‌آموز نیز می‌تواند در هر ساعتی از شبانه‌روز، برای معلم

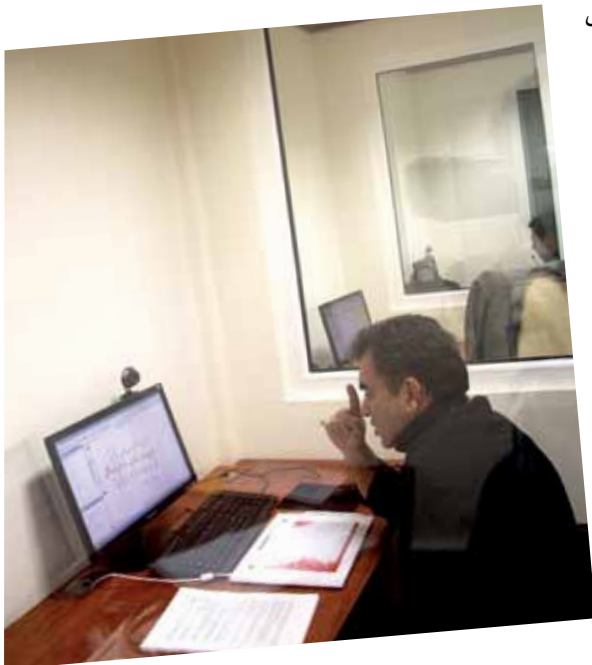


اصلاً حس نمی کنید که این بچه ها هزاران کیلومتر از شما دورند. خیلی زود با آن ها ارتباط برقرار می کنید و بچه ها هم خیلی سریع سیستم را می پذیرند و ارتباط خوبی برقرار می شود

آموزش معلمان

از خانم مظفری می پرسیم: «آیا معلمانی که می خواهند به جمع همکاران شما بپیوندند، آموزش خاصی دریافت می کنند؟»

پاسخ این است که حداقل سه جلسه ۹۰ دقیقه ای آموزش می بینند. در یک جلسه فایل آموزشی سایر همکاران را می بینند و از تجربیات آن ها استفاده می کنند. جلسه بعد به دست و زدی و آشنایی با نحوه استفاده از ابزارها و نرم افزار کلاس آنلاین اختصاص دارد که البته برای بعضی از همکاران به خواست خودشان، بیش از یک جلسه هم ممکن است به این کار اختصاص یابد. در آخرین جلسه نیز یک کلاس نمونه را اجرا و ضبط می کنند تا کاملاً مسلط شوند و اشکالات احتمالی برطرف شود. بازدید ما از مؤسسه در حالی به پایان می رسد که تصورمان از یک مؤسسه آموزش غیر حضوری، با تصویری که قبل از بازدید داشتیم کاملاً فرق کرده است. برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید به وبگاه مؤسسه به نشانی www.sabaeducation.net مراجعه کنید.



شده است. خانم مظفری می گوید: «وقتی چنین پیغام هایی می گذاریم، آن ها با ما تماس می گیرند که فلانی این چه پیغامی است برای من گذاشته ای که به پدر و مادرتان بگویند تماس بگیرند؟!»

روابط انسانی

ما به عنوان ناظر خارجی، ضعف سیستم آموزش از راه دور را، مشکل برقراری رابطه عاطفی می دانستیم و به همین دلیل، یکی از سوالات اساسی ما همین موضوع بود. پاسخ آقای چشمی، دبیر عربی، این بود: «من هر دو تجربه را دارم. تا بعد از ظهر در مدرسه حضوری درس می دهم و بعد می آیم اینجا. شاید در مقایسه با کلاس حضوری، بیشتر طول بکشد تا این ارتباط برقرار شود، ولی بعد کاملاً با آن ها دوست می شوم و سر به سرشان می گذارم. وقتی کسی درس را بلد نیست، می گویم باید الان پیش من بودی و می رفتی جلوی تخته روی یک پا می ایستادی!»

من به مرور کاملاً بر وضعیت کلاس و بچه ها تسلط پیدا می کنم. با اینکه معمولاً به دلیل پایین بودن سرعت، تصویر آن ها را فعال نمی کنیم و صرفاً ارتباط صوتی داریم یا آن ها حرف هایشان را تایپ می کنند، ولی من کاملاً می فهمم هر کدام چه کار می کنند. مثلاً می گویم: فائزه، فکر کنم الان خوابیدی! یا: فکر می کنم الان داری به کتابت نگاه می کنی!»

خانم مظفری مدیر آموزش مؤسسه صبا می گوید: «اصلاً حس نمی کنید که این بچه ها هزاران کیلومتر از شما دورند. خیلی زود با آن ها ارتباط برقرار می کنید و بچه ها هم خیلی سریع سیستم را می پذیرند و ارتباط خوبی برقرار می شود. بچه ها می توانند تصویر معلم را ببینند و با او صحبت کنند (و البته معلم هر وقت بخواهد می تواند میکروفون هر دانش آموزی را روشن یا خاموش کند. در واقع، معلم مشکل اداره کلاس ندارد؛ چون می تواند با یک دکمه سکوت را در کلاس برقرار کند!)

جالب است که گرچه بچه ها از نقاط متفاوت دنیا با یکدیگر هم کلاس شده اند و شاید اصلاً همدیگر را نبینند، ولی با هم دوست هستند. حتی سال گذشته تابستان که بعضی به ایران آمده بودند، می گفتند: خانم، ما را اردو نمی برید؟ یعنی حس و حالی شبیه حس و حال دانش آموزان در مدرسه حضوری دارند.»



۱۰

شماره ۶ / دوره نهم / اسفندماه ۱۳۹۱

از دفترچه خاطرات معلم فیزیک «صبا»

زهرا سعیدی

سخت سرگرم درس دادنم که توجهم به «کامنت‌ها» جلب می‌شه:

امیرحسین: بچه‌ها شما صدا دارین؟

نسیم: یک بار خارج شو و بعد برگرد.

یکی دیگر از بچه‌ها: منم صدا ندارم.

امیرحسین: حالا نه صدا دارم نه تصویر!

من هاج و واج که چه کنم. از گوشه راست صفحه یادداشتی میاد که: «به بچه‌ها بگو تحمل کنن و شما ادامه بده.»

کم کم همه بچه‌ها بدون صدا و تصویر از کلاس خارج می‌شن!

من مشغول درس دادنم که باز متوجه می‌شم:

امیرحسین: نسیم، تو کجایی؟

نسیم: تایلند! تو کجایی؟

امیرحسین: من دویی.

علی: اها! و سهلاً امیرحسین!

یکی از بچه‌ها: بچه‌ها، خانم ساکتن یا من صدا ندارم؟

من که حواسم به گفت‌وگوی بچه‌هاست، می‌گم: «بچه‌ها حواستون

کجاس؟ یک لحظه هم به من توجه کنین!»

دوربین را روشن می‌کنم تا قانون دست راست رو نشون بدم: «بچه‌ها، شست چپ تو دوربین، شست راست رو نشان می‌ده!

بچه‌ها شما راست می‌بینین ولی من چپ!»

کلی دستم رو بالا و پایین می‌کنم تا بالاخره چیزی رو نشون بدم. باز کامنت بچه‌ها را می‌بینم که به هم می‌گن: «اون آقاهه رو دیدی از اون پشت رد شد؟!»

مستندسازی یک تجربه

فاطمه فضلعلی
دبیر منطقه ۲ تهران

۳۰ دقیقه تدریس با رایانه

بی شک در مدارس فردا ابزارهای فناوری جزء جدانشدنی از تدریس خواهند بود؛ تا جایی که کلاس بدون رایانه و اینترنت وجود نخواهد داشت. فناوری ابزاری در دست معلم است و معلم به وسیله آن می تواند فرایند یاددهی و یادگیری را آسان کند. لازم به ذکر است که وجود فناوری مدارس را از معلم بی نیاز نمی کند. در واقع، این معلم است که فناوری را به استخدام خود درمی آورد و از آن در تدریس بهره می گیرد. نوشته زیر گزارشی از ارائه تدریس در «جشنواره تدریس زبان انگلیسی» است که مدت زمان اجرای آن فقط ۳۰ دقیقه و موضوع تدریس «ضمایر انعکاسی در دستور زبان انگلیسی» کتاب دوم دبیرستان بوده است.

طراحی و برنامه ریزی

برگزاری کلاس و ارائه درس ظرف ۳۰ دقیقه بسیار مشکل به نظر می رسید و فکر می کردم که نمی شود همه کارهایی را که معلم ظرف ۹۰ دقیقه تدریس انجام می دهند در ۳۰ دقیقه انجام داد. ابتدا برای هر دقیقه تدریس برنامه ریزی کردم. طرح درس خود را نوشتم و براساس آن نحوه تدریس و وسایل مورد نیاز را تهیه کردم. در اینترنت عکس های مناسب تدریس را پیدا کردم. همچنین کارهای گروهی و تمرین های متنوعی تعریف کردم. فهرست های واری (چک لیست) برای هر گروه تهیه کردم. داشتن گروه، سرگروه و منشی گروه دارای امتیاز بود. روش های تدریس متفاوت را بررسی کردم و برای شروع کلاس در جست و جوی وسیله ای بودم که در دانش آموزان ایجاد سؤال کند. برای ارزشیابی مستمر در کلاس و ارزشیابی دانش آموزان هم سؤال های متنوعی نوشتم. در نهایت، طرح درس من از ۲۳ اسلاید تشکیل می شد و یک کیف قرمز رنگ بزرگ که وسایل مورد نیاز تدریس را درون آن قرار داده بودم.

روز اجرا

قبل از اجرا، با دانش آموزان محل اجرا (دبیرستان هدف - منطقه ۱۱) که توسط مسئولان برای تدریس انتخاب شده بودند، هماهنگی هایی را انجام دادم. دانش آموزان خوبی بودند و به سرعت آن ها را توجیه کردم و بعضی از کارهای مهم را به آن ها گفتم. این ارتباط کوتاه باعث شد یخ هایمان کمی آب شود. لحظه ورودم به صحنه (طبق قرار قبلی) صدای دست زدن و شادی آن ها را می شنیدم. با ورود من به کلاس روز معلم را تبریک گفتند. از آن ها تشکر کردم و با لبخندی بر لب و پر انرژی سلام و احوال پرسی کردم و کیف بزرگ قرمز رنگی را که همراه داشتم، در معرض دید دانش آموزان قرار دادم.

مرحله قبل از تدریس

از سرگروه ها خواستم برگه بررسی تکالیف را به من تحویل دهند. رایانه را از قبل آماده کرده بودم. روی صفحه نمایش تصویری از «برج میلاد» با جمله «روز معلم مبارک باد» جلب توجه می کرد. فهرست واری را به من تحویل دادند. آن ها را سریع بررسی کردم؛ نقص تکلیف وجود نداشت (۲ دقیقه). به کمک یک تصویر، از درس دستور زبان جلسه قبل که «شرطی ها» بود، سؤالاتی مطرح کردم و دانش آموزان پاسخ دادند (مرور درس قبل، ۱ دقیقه).

مرحله تدریس (ارزشیابی تشخیصی و ایجاد انگیزه)

برای تدریس درس جدید ابتدا فهرست کارهای آن روز را با یک اسلاید نشان دادم و معرفی کردم. پس از آن دانش آموزان را به سه گروه به نام های O 3- Ind ، O 2- D و 1- O تقسیم کردم. (1. Object, 2. direct object & 3. indirect object)



با این نام‌گذاری می‌خواستم آن‌ها بیشتر درگیر درس شوند. دانش‌آموزان مفهوم مفعول و مفعول مستقیم و غیرمستقیم را در سال‌های قبل آموخته بودند و با بیان آن‌ها و حل تمرین، می‌توانستم درس جدید را که ضمایر انعکاسی بود، بهتر و سریع‌تر تدریس کنم. کیف را جلو آوردم و داستانی از خرید روز قبل خود بیان کردم. گفتم که خودم تنها به خرید رفته بودم و گفتم برای شما هم خرید کرده‌ام. خوش‌حال و شگفت‌زده شدند. از درون آن کیف یک بسته شکلات بیرون آوردم و به دانش‌آموزان دادم و با تصویر شکلات، ضمایر مفعولی را نشان دادم. از آن‌ها سؤال‌هایی کردم تا مطمئن شوم که ضمایر مفعولی و تغییر شکل آن‌ها را با جابه‌جا شدن در جمله می‌دانند. همین‌طور می‌دانند که در صورت جابه‌جایی چه اتفاقی می‌افتد.



سپس از کیف قرمز رنگ، گوشی تلفن همراه خود را خارج کردم و با تصویر آن ضمایر انعکاسی را آموزش دادم؛ البته با پرسش و پاسخ. ضمایر انعکاسی را که روی یک اسلاید نوشته بودم، آموزش دادم و در اسلاید دیگری خواستم آن‌ها را نام ببرند. سپس مفهوم آن‌ها را با تصویری توضیح دادم و تفاوت آن را با ضمیر مفعولی پرسیدم. دانش‌آموزان گروهی فکر می‌کردند و پاسخ می‌دادند و منشی هر گروه، امتیاز گروه را در فهرست واری می‌نوشت. در نهایت، خودم هم دوباره پاسخ‌ها را بیان کردم.

درون کیف کاغذ و قیچی داشتم. آن‌ها را به دانش‌آموزان دادم و از آن‌ها خواستم که در هر گروه اریگامی درست کنند. دانش‌آموزان از اینکه با دستانشان در کلاس کار می‌کردند، لذت می‌بردند. هر کدام چیزی درست کردند، مانند قایق، کفش و... از آن‌ها پرسیدم چه کسی آن‌ها را درست کرده است و گفتند خودشان. به این ترتیب، مفهوم ضمایر انعکاسی را کاملاً متوجه شدند؛ ضمن اینکه خودشان در کلاس فعالیت داشتند. وقتی به یقین رسیدم که دستور زبان این جلسه و انواع آن را فرا گرفته‌اند، تمرین‌های کتاب را انجام دادیم که ۱۵ دقیقه زمان گرفت.

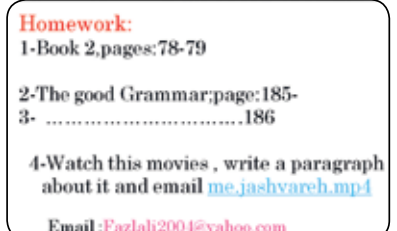


● جمع‌بندی و نتیجه‌گیری (مرحله پس از تدریس)

برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از سرگروه‌ها خواستم پس از صحبت با اعضای گروه، درس را توضیح دهند.



برای ارزشیابی سه سؤال طراحی کرده بودم که خواستم پاسخ دهند. منشی هر گروه نمره گروه را در فهرست واری یادداشت می‌کرد. برای یک سؤال، تمرین‌های اینترنت را لینک زده بودم و سریع نشان دادم و یک گروه پاسخ دادند. سؤال بعدی جملات به هم ریخته بود که بچه‌ها به وسیله آهن‌ربا آن‌ها را روی تخته مرتب کردند. بقیه تمرین‌ها را روی اسلاید ارائه کرده بودم. پاسخ‌ها را به سرعت واری کردم و منشی‌های هر گروه نمرات را تحویل دادند (۷ دقیقه).



در پنج دقیقه پایانی فیلم کوتاهی را که با تصاویر مختلف با نرم‌افزاری ساخته بودم، نشان دادم و خواستم که دانش‌آموزان در مورد آن یک بند مطلب بنویسند و به نشانی الکترونیکی من ارسال کنند. تکالیف آن‌ها را نشان دادم و موضوعی برای یک تحقیق ساده مطرح کردم؛ برای مثال، عبارت‌های «Help yourself» یا «by Myself» چه معنایی دارند و کاربردها چیست. یک سلسله منابع و سایت هم به آن‌ها معرفی کردم و وب‌نوشت (وبلاگ) خود را نشان دادم که برای مطالعه می‌توانستند به آن رجوع کنند. در پایان با ذکر صلوات و تشکر، از آن‌ها خداحافظی کردم. یک دقیقه هم وقت زیاد آوردم!



● هیوا علیزاده
دبیر فیزیک منطقه ۶ تهران

دانش آموز ما تحلیگری و

سرآغاز

قسمت پنجم

جعبه می‌توان از رابطه $Q=mc\Delta\theta$ استفاده کرد. در این فرمول داریم:

m : جرم هوا (با واحد kg)

C : ظرفیت گرمایی ویژه (با واحد $J/kg\cdot^{\circ}C$)

$\Delta\theta$: تغییر دما (با واحد $^{\circ}C$)

Q : گرما (با واحد J (ژول))

با استفاده از رابطه $P = \frac{Q}{t}$ نیز توان را محاسبه می‌کنیم که در آن داریم:

P : توان (با واحد W (وات))

t : زمان (با واحد s (ثانیه))

می‌خواهیم دانش‌آموزان خودشان به تأثیر پارامترهایی همچون نوع ماده‌ای که در حال گرم‌شدن است (در اینجا هوا) و مقدار آن، تغییرات دما و همچنین زمان در برآورد توان اشاره کرده و به مفهوم این کمیت پی ببرند. برای همین دانش‌آموزان را در این مسیر هدایت می‌کنیم؛ نه اینکه فرمول‌ها را به‌عنوان پاسخ ارائه دهیم. لازم است در این کار صبر و حوصله به‌خرج دهیم و گفته‌هایی را که همه موافق هستند، روی تخته کلاس ثبت کنیم که این خود کشف از متغیرهای مؤثر توسط دانش‌آموزان است.

مرحله بعد کشف رابطه بین متغیرهاست. در این مرحله نیز دانش‌آموزان را با مثال‌هایی هدایت می‌کنیم. ما می‌خواهیم آن‌ها از فعالیت علمی لذت ببرند و احساس نشاط کنند در مسیر انجام کار تحقیقاتی، همیشه کشف کردن نشاط‌آور است. پس این فرصت را از آن‌ها نگیریم؛ حتی اگر به بهانه کشف متغیرهایی باشد که بارها به آن‌ها دیکته کرده‌ایم، بدون آنکه ضرورت آن را درک کرده باشند. این کار در مسیر انجام پروژه بسیار بارز است، زیرا هدف، آموزش روش یادگیری و مطالعه است.

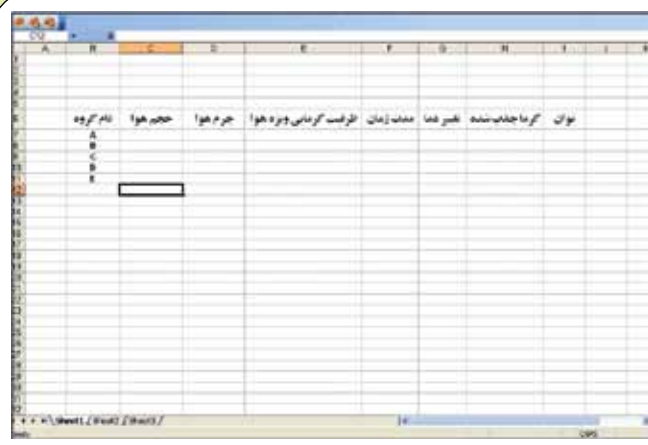
پس از کشف رابطه بین پارامترها، فرمول‌ها را روی تخته می‌نویسیم و از هر گروه می‌خواهیم محاسبات لازم را برای به‌دست آوردن توان و وسیله خود انجام دهد. در همین حال که دانش‌آموزان در حال انجام محاسبات هستند، فایلی را در اکسل و برای انجام محاسبات باز و آماده می‌کنیم. پس از اینکه همه گروه‌ها محاسبات خود

با گام‌هایی کوچک و استوار در جهت انجام وظیفه‌ای که نسبت به حفظ محیط‌زیست اطراف خود داریم، در قالب پروژه‌ای با عنوان «ساخت و استفاده از اجاق خورشیدی»، دانش‌آموزانمان را تا اینجا پیش آوردیم که با مرحله‌های یک کار تحقیقاتی همچون مشاهده، یادداشت‌برداری، بحث و گفت‌وگو، جمع‌آوری اطلاعات و ساخت یک نمونه آزمایشی و انجام چند آزمایش آشنا شدند. آن‌ها در این مسیر داده‌هایی را نیز ثبت کردند. اکنون نوبت تحلیل و انجام محاسبات روی داده‌ها برای رسیدن به کمیت‌های جدید است. با این کار شناخت بهتری نسبت به آنچه ساخته‌اند پیدا می‌کنند و به سودمندبودن نرم‌افزاری مانند «اکسل» پی می‌برند.

شرح

همچون جلسات قبل کار را با بحث و گفت‌وگو درباره آنچه انجام شده است، شروع می‌کنیم. از هر گروه می‌خواهیم تا داده‌های ثبت شده و نحوه انجام آزمایش خود را به نمایش بگذارد و درباره آن توضیح دهد. پس از ارائه همه گروه‌ها، پرسشی مطرح می‌کنیم: «به‌نظر شما هوای داخل کدام وسیله زودتر گرم می‌شود؟»

در اینجا به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم تا فرضیات خود را مطرح سازند و روش‌هایی را برای یافتن پاسخ این پرسش به کمک ریاضیات و فیزیک شرح دهند. می‌دانیم که برای محاسبه گرمای جذب شده توسط هوای داخل



محاسبه را تمرین می‌کند

را انجام دادند و سؤالات آن‌ها را در زمینه استفاده از حجم هوا برای محاسبه جرم آن و مفاهیم مرتبط با آن، همچون چگالی پاسخ گفتیم و تبدیل واحدها را به کمک ماشین حساب آموزش دادیم، از آن‌ها می‌خواهیم نتایج کار خود را برای کلاس اعلام کنند. وقتی همه گروه‌ها این کار را انجام دادند، فایل اکسل را با استفاده از ویدئو پروژکتور به آن‌ها نشان می‌دهیم و از هر گروه داده‌ها را می‌خواهیم و وارد جدول می‌کنیم. در پایان با وارد کردن فرمول‌های لازم در ستون‌ها، انجام محاسبات را نمایش می‌دهیم.

در همین راستا تا جلسه بعد تصاویری از انواع اجاق‌های خورشیدی و اطلاعاتی درباره عایق‌ها و معرفی کتاب و سایت‌های متفاوت مرتبط را روی وبلاگ قرار می‌دهیم. لزومی ندارد به آن‌ها بگوییم جلسه بعد می‌خواهیم چه کنیم. کافی است یک روز لذت‌بخش را نوید بدهیم!

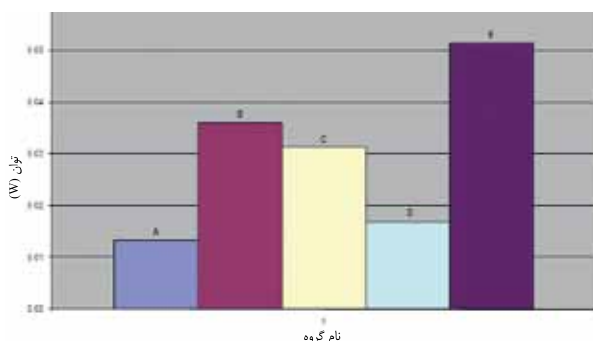
در جلسه بعد، ابتدا محاسبات و همچنین خطاهای احتمالی موجود را بررسی می‌کنیم. سپس به ایده‌های دانش‌آموزان گوش می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم که طرح‌های خود را برای رسیدن به گرمکن بهتر به منظور آشنایی کردن رسم کنند تا برای ماکت‌سازی آماده شوند.

پروژه ما بهانه‌ای است تا دانش‌آموز نیازها و ضرورت‌ها را کشف کند و با ابزارهایی آشنا شود که بتواند با بهره‌گیری از آن‌ها، علمی را که فراگرفته است، به کار گیرد. در عین حال برای او دریچه‌ای باز خواهد شد تا از آموخته‌های خود لذت ببرد و احساس کند با همه کوچکی نسبت به بزرگی دنیا، فعالیتی را در جهت احترام به محیطی که در آن زندگی می‌کند و نسبت به آن مسئول است، انجام می‌دهد. او باید به یقین برسد که دنیا نیازمند زنده‌بودن و فعالیت اوست تا بتواند با امید از پس مشکلات برآید.

نام گروه	حجم هوا	جرم هوا	چگالی هوا	دما	توان
A	0.011	0.002	0.182	18.0	3
B	0.017	0.003	0.176	18.0	21
C	0.014	0.003	0.214	19.0	45
D	0.012	0.002	0.167	19.0	42
E	0.027	0.007	0.259	21.0	45

سپس نمودار توان را برحسب نام هر گروه رسم می‌کنیم. از دانش‌آموزان می‌خواهیم برداشت خود را از نمودار بگویند. همچنین پاسخ‌گوی سؤالات آن‌ها در زمینه نحوه وارد کردن فرمول‌ها برای محاسبات و همچنین رسم نمودار خواهیم بود. در تمام مراحل نیز به این نکته توجه داریم که دانش‌آموزانمان نکات مهم را یادداشت کنند. در آخر از چند نفر می‌خواهیم یادداشت‌های خود را برای کلاس بخوانند تا در صورتی که کج‌فهمی وجود داشته باشد، آن را برطرف سازیم.

برای جلسه بعد از آن‌ها می‌خواهیم تا نمودار دما را برحسب زمان برای اندازه‌گیری‌های خود رسم کنند و به کمک اکسل به این سؤال پاسخ دهند که آیا توان وسیله‌شان در همه بازه‌های زمانی یکسان است یا خیر. همچنین هر گروه برای جلسه بعد راهکارهایی



Shift به علاوه...

• زینب گلزاری

بعضی نکات ساده و پیش و پا افتاده در تایپ فارسی، آن قدر کم اهمیت جلوه می‌کنند که شاید هرگز به دنبال یادگیری آن‌ها نباشیم، اما یک وقت‌هایی ندانستن همین نکات ریز برای آدم دردسر می‌شود و آن قدر وقت می‌گیرد که ناچار می‌شویم یا از خیر تایپ مطلب بگذریم و یا به صورت دستی اصلاحات را به متن موردنظر بیفزاییم.

آماتور یا حرفه‌ای باشید، فرقی نمی‌کند. این شماره اگر مهمان پاتوق اولی‌ها باشید، مطمئنم پشیمان نمی‌شوید. برای تایپ علائم فارسی و عربی در نرم‌افزار «ورد»، کلیدهای که معمولاً از ترکیب Shift و یک کلید دیگر تشکیل شده، طراحی شده‌اند. این کلیدهای مهم و کاربردی را برای شما در جدولی تنظیم کرده‌ایم تا بتوانید همیشه از آن‌ها بهره بگیرید.

↑ Shift	E	—	↑ Shift	Q	—
↑ Shift	S	ء	↑ Shift	W	ء
↑ Shift	N	أ	↑ Shift	A	ء
↑ Shift	F	ء	↑ Shift	M	ء
↑ Shift	T	،	↑ Shift	K	»
↑ Shift	D	ء	↑ Shift	Y	:
↑ Shift	V	ؤ	↑ Shift	G	ة
↑ Shift	B	إ	↑ Shift	Z	ة
↑ Shift	L	«	↑ Shift	H	أ

تور مجازی



یکی از این نه شهر را به عنوان مقصد گردشگری مجازی خود انتخاب کنید. این وبسایت فرصت خوبی به معلمان جغرافیا می‌دهد تا شاگردان خود را در کلاس درس به جاهای دیدنی ایران و جهان ببرند و قبل از اینکه زنگ تفریح به صدا درآید، برگردند!



پی‌نوشت

1. Virtual Reality
2. 3D web
3. Immersive Worlds
4. Central Asia

بیش از ده سال پیش استاد دانشگاهی در تلویزیون دربارهٔ تحولات آتی فاوا می‌گفت روزی خواهد رسید که شما عینکی به چشمانتان می‌زنید و در فروشگاه مجازی در هزاران کیلومتر آن طرف‌تر قدم می‌زنید و خریدهای خود را انتخاب می‌کنید. این فناوری را که امروزه به زندگی روزمره ما رسوخ کرده است، با کلیدواژه‌های «واقعیت مجازی»^۱، «اینترنت سه‌بعدی»^۲ و «دنیای همه‌جانبه»^۳ می‌شناسند. امروزه این فناوری در حوزه گردشگری نیز توسعه یافته و با عنوان تور مجازی یا گردشگری مجازی مخاطبان فراوانی پیدا کرده است. تنوع این تورها به قدری زیاد است که شما، هم می‌توانید بلیتی به مقصد جزایر ناشناختهٔ «لانگ‌رِاس» (در لوزالمعده)، جایی درون بدن انسان) رزرو کنید، هم می‌توانید به غارهای یخی در ولایت «پیش‌خرید» افغانستان سر بزنید، و هم از ایستگاه بین‌المللی فضایی بازدید به عمل آورید.

سایت «گردشگری میراث جهانی» به آدرس <http://www.world-heritage-tour.org>، یکی از وبسایت‌هایی است که برای ۲۷۷ نقطهٔ دیدنی جهان بلیت رایگان دارد و شما با ورود به این سایت می‌توانید همان‌طور که پشت رایانهٔ شخصی خود نشسته‌اید، از نقاط دیدنی جهان بازدید کنید. این سایت که در قالب یک پروژهٔ جهانی فعالیت می‌کند، تصاویرهای پانورامای جذابی را از نقاط گوناگون جهان گردآوری کرده است. «تصویر پانوراما» یا «سراسر نما» به تصویری می‌گویند که همهٔ اطراف را دربرمی‌گیرد و تصویری از سراسر منظره با زاویهٔ باز نمایش می‌دهد.

برای استفاده از تورهای مجازی این سایت کافی است که قسمت نقشهٔ آن را انتخاب کنید و روی نقشه، هر منطقه از کرهٔ زمین را که می‌خواهید مقصدتان باشد، برگزینید. این مناطق بر حسب قاره یا مناطق جغرافیایی طبقه‌بندی شده‌اند. برای مثال، اگر بخواهید به شهرهای ایران سفر کنید، کافی است «آسیای میانه»^۴ را انتخاب و سپس روی شهرهای کشور ایران کلیک کنید.

سایت گردشگری میراث جهانی، جاذبه‌های گردشگری نه شهر از ایران را به نمایش گذاشته است و شما می‌توانید

تخمین

● نرگس لیاقی مطلق
دبیر فیزیک منطقه ۳ تهران

در هر مدرسه‌ای برای شادابی روحیه بچه‌ها اردوهای برگزار می‌شود. گاهی این اردوها با نگاه رایج به اردو متفاوت هستند و گذراندن یک روز خوب در مدرسه هم اردو به حساب می‌آید. قرار بود در مدرسه ما هم اردویی از همین دست برگزار شود؛ اردویی که هدف آن علاوه بر شادابی بیشتر بچه‌ها، آموزش مفاهیم علمی «تخمین» بود و یادآوری اینکه تخمین چگونه در زندگی ما اثر می‌گذارد.

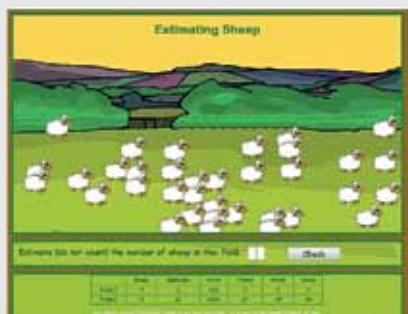
پس با گروهی از همکاران دور هم جمع شدیم و ایده‌های متفاوتی برای برگزاری اردو گردآوری کردیم. در عین حال، لزوم تخمین زدن مناسب و نیاز به آن در زمینه‌های متفاوت زندگی را به خودمان یادآوری کردیم و با توجه به اهمیت موضوع در بخش‌های گوناگون، تخمین را تعریف کردیم. سپس کار بین اعضای گروه تقسیم شد و قرار گذاشتیم هر کدام در یک زمینه تخمین را بررسی و مطرح کنیم. یکی روی طول کار می‌کرد، دیگری روی زمان و مکان، یکی روی خانه‌داری و... من هم تخمین در بازی‌های رایانه‌ای را پذیرفتم.

حاصل تلاش ما برای برگزار کردن اردوی تخمین در بخش بازی‌های رایانه‌ای، این پنج بازی بود.



بازی «حمله ترازویی» یا «Scale Attack» که به طور هم‌زمان تخمین حجم و تخمین در جمع ریاضی است. بازی چند مرحله دارد و بسیار سرگرم‌کننده است. در این بازی ترازویی وجود دارد که در یک طرف آن وزنه‌های مشخصی قرار می‌گیرد و بازیکن باید با باد کردن توپ‌ها جرم معادل طرف راست ترازو را بسازد. تمرکز و دقت در بازی ترازویی بسیار اهمیت دارد. این بازی را می‌توانید از مسیر زیر بیابید:

<http://www.mathnook.com/math/scaleattack.html>



بازی دوم، بازی تخمین تعداد بود؛ به این صورت که یک صفحه با تعدادی گوسفند به شما نمایش داده می‌شود و شما با تخمین تعداد گوسفندان و درج پاسخ خود، امتیاز می‌گیرید. هرچه زمانی که برای پاسخ دادن صرف می‌کنید کوتاه‌تر باشد، امتیاز بیشتری به دست می‌آورید. هرگاه بخواهید از جمع امتیازات خود آگاه شوید، کافی است سری به پایین صفحه بزنید امتیاز خود را مشاهده می‌کنید.

مسیر دسترسی به بازی به این شرح است:

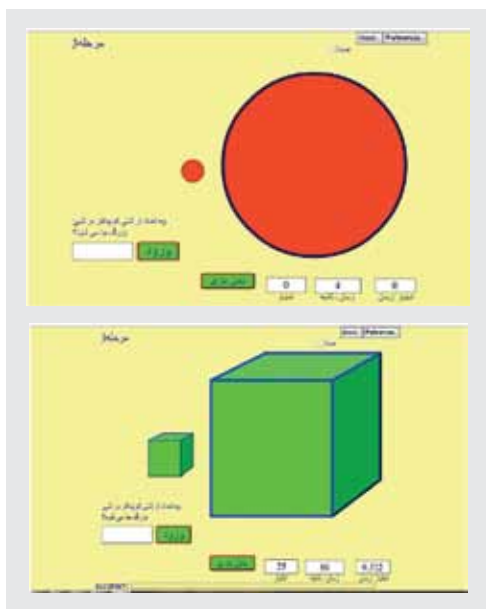
http://www.transum.org/software/SW/Starter_of_the_day/Students/Estimating_Number.asp



۱۸

شماره ۱۶ / دوره نهم / اسفندماه ۱۳۹۱

۳ ←



سومین بازی را از سایت «phet» انتخاب کردیم. در این بازی که تخمینی از طول، سطح و حجم ارائه می‌کند، شما باید تخمین بزنید چند جسم کوچک‌تر در جسم بزرگ‌تر جا می‌شود. بازی سه مرحله دارد که مرحله اول فقط تخمین طول، مرحله دوم تخمین طول و سطح و مرحله سوم تخمین هر سه، یعنی طول، سطح و حجم است. تارنمای این بازی به شرح زیر است:

<http://phet.colorado.edu/en/simulation/estimation>

برای دانلود بازی به زبان فارسی به پایین صفحه مراجعه کنید و در بخش «translated versions» نسخه‌های ترجمه‌شده زبان فارسی را انتخاب کنید.

۴ ←

بازی بعدی بازی «بیشترین ظرفیت» بود که در واقع تخمین جمع است و سرعت شما را در تخمین حاصل جمع به چالش می‌کشد. در این بازی، تعدادی میمون قرار است برای رفتن به یک میهمانی سوار آسانسور شوند، ولی آسانسور در صورتی که جرم میمون‌ها بیشتر از حد استاندارد باشد، از کار می‌افتد. بازی را می‌توانید در این نشانی بیابید:

<http://mrnussbaum.com/maximumca/pacity>



و آخرین بازی، یک بازی ریاضی است که تخمین تعداد، ضرب، جمع، درصد، حجم، طول، سطح، زاویه و... را در خود جای داده است. در صفحه ابتدایی بازی، شما موضوع تخمین را برمی‌گزینید و سپس بازی را آغاز می‌کنید. این هم مسیر دسترسی به بازی:

<http://www.mathsisfun.com/numbers/estimation-game.php>

۵ ←

آموزش غیر حضوری در ادبیات

● رویا صدر

● تصویرگر: مهشید صادقی

تحصیل عشق و رندی آسان نمود اول

آخر بسوخت جانم در کسب این فضایل

(حافظ شیرازی)

محورهای کلیدی: خودیادگیری و خودیابندگی، لزوم طراحی و تدوین محتوای آموزشی غیرحضوری متناسب با شرایط فراگیرندگان، آموزش مداوم در عرصه کار و زندگی، حضور به موقع سر کلاس

معنای تحت اللفظی: شاعر احتمالاً با توجه به رفتاری‌های روزمره از قبیل نشستن پای آب رکن آباد و تماشای گذر عمر، این فرصت و امکان را که بتواند حضوری به تحصیل عشق و رندی (مواد درسی دوره شاعر) بپردازد، نداشته است. این بوده که به آموزش غیرحضوری جلب شده، ولی بعدها متوجه شده که تحصیل آن‌طورها که فکر می‌کرده است، ساده نیست. نام‌برده در پی چند جلسه غیبت در کلاس آموزش غیرحضوری، از فهرست شاگران حذف شده و به اصطلاح سوخته است.

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا

بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا

(استاد شهریار)

محورهای کلیدی: مشکلات فناوری، جدول زمان‌بندی **معنای تحت اللفظی:** شاعر در کلاس‌های آموزش غیرحضوری شرکت کرده، ولی به علت مشکلاتی از قبیل قطع برق و اینترنت و اختلال در «ای‌دی‌اس‌ال» و از دسترس خارج بودن برخی سایت‌ها، نتوانسته است نمره بگیرد. در نتیجه درس را افتاده است و از اینترنت گلیه می‌کند که حالا چه وقت آمدن بود و خجالت بکش بی‌ملاحظه. از بس پای دستگاه منتظرت نشستیم، صدمات جبران‌ناپذیری بر پا و کمر و سایر نواحی بنده وارد شد. احتمال هم دارد که شاعر در مقام مربی اعلام می‌کند که کلاس شروع شده است، ولی شاگرد دیر پای دستگاه می‌آید و استاد به او می‌گوید: «بی‌وفا! این است پاسخ دوندگی‌های من در رابطه با تشکیل کلاس آموزش غیرحضوری؟»

من از این خانه پرنور به در می‌نروم

من ازین شهر مبارک به سفر می‌نروم

(استاد جلال‌الدین مولوی)

محورهای کلیدی: رفع محدودیت در ظرفیت کلاس‌ها، حل مشکل زمان‌بندی برای فراگیرندگانی که امکان حضور هم‌زمان در یک محل خاص را ندارند، برق فشار قوی، ناامنی چاده‌ها **معنای تحت اللفظی:** احتمالاً یکی از بستگان استاد در کنکور سراسری یا آزاد شهرستان قبول شده است و استاد به ایشان توصیه می‌کند که بهتر است به جای سفر، از امکانات آموزش غیرحضوری استفاده کنند. ایشان در همین رابطه اظهار می‌دارند: «والله مگر مرض داشته باشم که به جای درس خواندن در این خانه پرنور و راحت، به سفرهای پرخطر جاده‌ای بروم و از شهر و دیار خودم دور بشوم!»

از این رو به گفته محققان احتمال اینکه در منزل حضرت مولانا از «چار شانزده شاخه‌ای» استفاده می‌شده است، وجود دارد.

مبارک ساعتی باشد که با منظور بنشیند

به نزدیکت بسوزاند مگر کز دور بنشیند

(شیخ اجل استاد مصلح‌الدین سعدی)

محورهای کلیدی: رفع محدودیت‌های فردی و اجتماعی و مکانی، تأمین فرصت‌های برابر آموزشی

برای همه

معنای تحت‌اللفظی: شاعر نگاه مثبت‌تری نسبت به استاد شهریار در مورد کلاس‌های آموزش غیرحضوری دارد. احتمال دارد که در دوره‌ای ایشانشان قوانین استفاده از فضای مجازی به سفت و سختی دوره‌ی استاد شهریار نبوده است. خلاصه اینکه ایشانشان می‌فرمایند پای دستگاه رایانه نشستن در دنیای امروز، بسیار نیکو و پسندیده و مبارک است؛ چون احتیاج نیست که حضوری سر کلاس حاضر شوید. به‌خصوص با این آلودگی هوا و گازهای گل‌خانه‌ای که تا ناکجا آباد آدم‌ها را می‌سوزاند، بهتر است از راه دور بنشینید و به کسب علم پردازید و زحمت عبور و مرور را بر خود هموار نسازید.

به سراغ من اگر می‌آیید

نرم و آهسته بیایید مبادا که ترک بردارد

چینی نازک تنهایی من

(استاد سهراب سپهری)

محورهای کلیدی: دسترسی به آموزش برای افراد پرمشغله و

پرمسئله، عدم تمرکز آموزشگران به لحاظ جغرافیایی

معنای تحت‌اللفظی: احتمالاً شاعر، یا خانه‌دار است و از داشتن

فرزندان متعدد و شوهر رنج می‌برد و یا اینکه شغل پرسروصدایی

مثل مسافركشی، جوشکاری و کارگری ساختمان دارد. از این رو از

اطرافیان‌ش خواهش می‌کند، اگر احیاناً در ساعات کلاس آموزش

غیرحضوری به او نزدیک شدند، شلوغ نکنند و مواظب

صفحه مانیتورش هم باشند که پول بالایش داده است.





یک نرم افزار ساده

● جواد حسین پور
معاون فناوری مدرسه راهنمایی شهید محسنی منطقه ۱۷ تهران



اشاره

جواد حسین پور که تا سال گذشته در کلاس های آموزش تولید محتوا از نرم افزار multimedia builder استفاده می کرده، با تجربه ای که کسب کرده، نرم افزار جدیدی را برای این کار پیشنهاد می دهد. مقایسه ایشان از این دو نرم افزار را در زیر می خوانید.

نرم افزار «multimedia builder» برای تولید محتوا مناسب نیست؛ به دلیل اینکه:

● چهار سال است که شرکت ارائه کننده نرم افزار ورژن جدید آن را ارائه نکرده است و به روز نیست.
● آموزش این نرم افزار به دلیل پیچیدگی هایی که دارد، زمان بر است.

● اشیا و منابعی را که مورد استفاده قرار می گیرند، خود کاربر باید داخل پوشه های مختلف بگذارد و طبیعتاً مسیر منابع مورد استفاده را به درستی وارد نرم افزار کند. بدیهی است که در صورت عدم رعایت اصول آدرس دهی، اجرای نرم افزار با مشکل مواجه خواهد شد. (بیش از نیمی از محصولات تولید شده توسط دانش آموزان و دبیران در رایانه منزل اجرا می شوند، اما در رایانه های دیگر اجرا نمی شوند).

در صورتی که نرم افزار به درستی انتخاب نشود، پیچیده باشد و عملاً برای همکاران و دانش آموزان قابل استفاده نباشد، باعث دل زدگی، عدم اشتیاق برای حضور در کلاس های تولید محتوا و نیز بی رغبتی برای انجام پروژه های عملی می شود. در نتیجه، برای آموزش تولید محتوا ابتدا باید از نرم افزارهایی شروع کنیم که بسیار ساده باشند و کاربران عادی رایانه نیز بتوانند از آن ها استفاده کنند؛ از جمله نرم افزار «Ncesoft flipbook maker» (برای تولید کتاب های الکترونیکی ساده) و «avs» (برای تولید و ویرایش فیلم ها و کلیپ های آموزشی). در مراحل بعدی می توان از نرم افزارهای پیشرفته تر بهره گرفت و در پایان نیز با نرم افزارهایی باید کار شود که دبیران و دانش آموزان بتوانند اصول برنامه نویسی را قدم

به قدم آموزش ببینند.

نرم افزار «autoplay media studio» مانند نرم افزار Multimedia builder، نرم افزاری «اتوران ساز» است. در سال تحصیلی جدید از این نرم افزار برای آموزش تولید محتوا به دانش آموزان استفاده کردم. با استفاده از این نرم افزار دانش آموزان و دبیران ما می توانند محتوایی با ویژگی های زیر تولید کنند:

تعاملی بودن: ابتدا نام کاربر پرسیده می شود. سپس در قسمت آزمون های محتوا، در صورتی که سؤالی درست یا نادرست پاسخ داده شود، با اسم کوچک به کاربر اعلام می شود. برای مثال، پیغامی ظاهر می شود مبنی بر اینکه: «علی جان، شما پاسخ غلط داده اید و باید مطلب... را دوباره مرور کنید.»

مبتنی بر آزمون: محتوای تولید شده می تواند آزمون داشته باشد و انواع سؤالات تستی، صحیح و غلط، جاخالی و حتی تشریحی در آن به کار برده شود. جالب است بدانید که می توان جواب سؤالات آزمون را در فایلی فشرده در سیستم کاربر ذخیره کرد. این فایل فشرده پسوردی دارد که فقط در اختیار فرد تولید کننده است. کاربر در منزل آزمون می دهد و فایل فشرده را با «فلش مموری» برای دبیر خود می آورد تا مورد ارزیابی قرار گیرد.

کاملاً مولتی مدیا: در این نرم افزار از تمامی رسانه ها می توان استفاده کرد؛ از جمله: متن، صدا، فیلم، انیمیشن و ...

دارا بودن شماره سریال و رمز عبور: دانش آموزان و دبیران می توانند برای محافظت از محتوای خود از رمز عبور و شماره سریال استفاده کنند.

توجه داشته باشید که دبیران و دانش آموزان ما با دانش کمی که از برنامه نویسی به دست می آورند و با گذراندن حدود ۱۵ تا ۲۰ جلسه آموزش، می توانند محتوایی با کیفیت مطلوب تولید کنند و این فقط به خاطر سهولت کار با برنامه است. لازم به ذکر است که ایشان به وسیله این برنامه با اصول برنامه نویسی، از جمله الگوریتم و کار با متغیرها به خوبی آشنا می شوند؛ به طوری که قادر به استفاده از این اصول در کار با برنامه های دیگر خواهند بود.



پرسش و پاسخ رایانه‌ای

مرتضی سیداحمدپور

● هنگامی که قصد داریم از رایانه‌های مدرسه برای انتقال فایل استفاده کنیم، با توجه به اینکه امکان دارد رایانه‌ها ویروسی باشند، مطمئن‌ترین روش برای انتقال اطلاعات چیست؟

○ مهم‌ترین عامل انتقال ویروس بین سیستم‌های رایانه‌ای، «فلش مموری» است که بالاترین درصد انتقال ویروس را در ایران از آن خود کرده است. در نتیجه، یکی از مسائلی که در امنیت سیستم شما در برابر بدافزارها شاید بسیار مهم باشد، محافظت از فلش مموری است و باید بتوانید با کنترل آن، از انتقال ویروس به سیستم خود جلوگیری کنید. با توجه به اینکه فلش مموری روی سیستم‌های متفاوت نصب می‌شود، این کار امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه نرم‌افزاری را روی خود فلش مموری نصب کنید که قابلیت دفع بدافزارهای مختلف را داشته باشد. برای مثال، نرم‌افزار «Trust Port USB Antivirus» نرم‌افزار بسیار مفیدی در این حوزه است. Trust Port USB Antivirus نرم‌افزاری است که روی فلش مموری نصب می‌شود و با اتصال فلش مموری به هر سیستمی، بدافزارهای ورودی را دفع می‌کند. این نرم‌افزار به محض اتصال فلش مموری به هر رایانه‌ای، تمامی فایل‌هایی را که روی آن ذخیره می‌شوند، کنترل می‌کند. در نتیجه، هیچ بدافزاری نمی‌تواند روی فلش مموری شما کپی شود. با این نرم‌افزار، شما حتی می‌توانید همه فایل‌های سیستم میزبان را نیز اسکن و فایل‌های آلوده آن را پاک کنید، آن‌ها را به قرنطینه انتقال دهید یا نامشان را عوض کنید. این نرم‌افزار امکان به‌روزرسانی از طریق اینترنت را هم دارد. به این ترتیب، همیشه جدیدترین بدافزارها را شناسایی می‌کند و در نتیجه بالاترین امنیت را برای شما به ارمغان آورد.

روش‌های دیگری نیز برای انتقال فایل وجود دارد که امنیت آن‌ها بیشتر و خطر آلوده شدن به ویروس در آن‌ها کمتر است؛ البته آن‌ها به سادگی استفاده از «کول دیسک» یا همان فلش مموری نیستند. یکی از این روش‌ها که برای انتقال فایل‌های کوچک و کم حجم می‌تواند جایگزین فلش مموری شود، ایمیل کردن فایل به نشانی خودمان است؛ البته به شرط آنکه رایانه مبدأ و مقصد به اینترنت متصل باشند. مزیت این

کار آن است که شما فقط یک فایل را جابه‌جا می‌کنید و فایل‌های ناخواسته را انتقال نمی‌دهید. علاوه بر این، معمولاً سرویس‌های ارائه‌دهنده ایمیل خود به برنامه‌های ویروس‌یاب مجهز هستند و فایل‌های ویروسی را به سرعت شناسایی می‌کنند و اجازه داند آن‌ها را نمی‌دهند.

● با توجه به اینکه امروزه بسیاری از وبسایت‌های آموزشی خدمات خود را در قالب شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌کنند، چگونه می‌توانیم از درز کردن اطلاعاتمان در شبکه جلوگیری کنیم؟

○ واقعیت این است که شبکه‌های اجتماعی به سرعت در حال گسترش و فراگیر شدن هستند و هر روز اهمیت آن‌ها در زندگی واقعی افزایش می‌یابد. از این‌رو شناخت شیوه‌های مدیریت حریم خصوصی در این شبکه‌ها همواره بسیار مهم و چالش‌برانگیز است. مدیران اداره‌کننده شبکه‌های اجتماعی، با توجه به قوانین بین‌المللی در حوزه حفظ حریم خصوصی و با توجه به ایجاد رقابت بین شبکه‌های اجتماعی مختلف، برای جذب مخاطب بیشتر خود را موظف به جلوگیری از آسیب‌پذیری‌های امنیتی و سوءاستفاده‌های احتمالی از اطلاعات به اشتراک گذاشته شده توسط کاربران می‌دانند و با طراحی و راه‌اندازی محیطی برای تنظیمات حریم خصوصی و ارائه گزینه‌های متنوع، در تلاش‌اند که مدیریت آن را برای کاربران ساده‌تر کنند. در حال حاضر این تنظیمات در اکثر شبکه‌های اجتماعی بسیار دقیق شده‌اند و مدیریت کوچک‌ترین جزئیات درباره نحوه ارائه اطلاعات نیز امکان‌پذیر است. شما در هر شبکه اجتماعی که عضو هستید، ابتدا باید قسمت تنظیمات مربوط به حفظ حریم خصوصی و نحوه به اشتراک‌گذاری اطلاعات را به دقت مطالعه کنید و برای جلوگیری از درز کردن اطلاعات شخصی خود تنظیمات لازم را انجام دهید. ما در اینجا با توجه به تعدد شبکه‌های اجتماعی و محدودیت بخش پرسش و پاسخ این مجله، فقط به موارد بسیار مهم و کلی که در تمام شبکه‌های اجتماعی کاربرد دارند، اشاره می‌کنیم:

○ از رمز عبورهای بسیار قوی ۱۲ کاراکتری ترکیبی برای

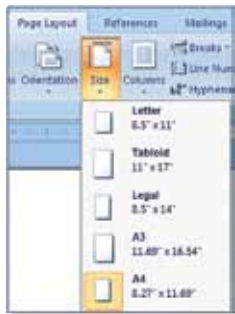


طراحی کارت

● **مطهره معینی**
دبیر هنر منطقه ۲ تهران

شروع

باز کردن برنامه Microsoft word ← Page Layout
در Page Setup ← Size ← انتخاب اندازه دلخواه



تنظیمات کادر

کشیدن کادر کارت:

در Insert ← Illustration ← Shapes ← انتخاب کادر
قرار دادن اشاره گر ماوس روی صفحه و حرکت دادن آن، تا کادر رسم شود.



تنظیم اندازه کادر:

در size ← وارد کردن اندازه کارت مورد نظر

برای مثال: Height: ۵ cm / width: ۹ cm



نکته: در صورتی که برنامه شما به صورت پیش فرض از واحد اینچ استفاده می کند، در کادر مخصوص، عبارت ۹cm و ۵cm را تایپ کنید. پس از زدن کلید «Enter»، خود برنامه آن را به واحد اینچ تبدیل می کند.



- شبکه های اجتماعی خود استفاده کنید.
- تقاضای دوستی افراد ناشناس را به هیچ وجه نپذیرید.
- افراد ناشناس را به فهرست خود اضافه نکنید.
- قبل از اضافه کردن دوستان به فهرست خود از هویت واقعی آنها اطمینان حاصل کنید؛ زیرا فردی که با تصویر دوست شما ظاهر شده است، پس از اضافه شدن به فهرست شما به بسیاری از اطلاعاتتان دسترسی خواهد داشت و حذف کردن او پس از اطلاع از جعلی بودن شناسه اش، کمکی به بازگشت اطلاعات از دست رفته نخواهد کرد.
- همه مواردی را که دوستانتان در شبکه های اجتماعی به اشتراک می گذارند، به سادگی کلیک نکنید.
- تحت هر شرایطی از پروتکل امن «https» برای ورود به حساب کاربری خود استفاده کنید.
- از کافی نت ها یا تلفن، تبلت و لپ تاپ دیگران وارد حساب کاربری شبکه های اجتماعی خود نشوید.
- حتماً پس از اتمام فعالیت خود در شبکه های اجتماعی «Log out» کنید.
- «Temporary file» های مرورگر خود را دائماً پاک کنید.
- از نمایش عمومی شماره تلفن و نشانی ایمیل خود پرهیز کنید.
- تاریخ تولد و محل سکونت خود را در پروفایل عمومی خود منتشر نکنید. بانک ها و مؤسسات اینترنتی از همین داده ها برای ارسال مجدد پسونرد فراموش شده شما و یا تغییر این پسونرد و دسترسی به داده های حساس استفاده می کنند.
- فهرست افراد و رایانه هایی را که اخیراً به اکانت شما دسترسی داشته اند، دائماً کنترل کنید.
- از برنامه جانبی (Third party applications) در شبکه های اجتماعی استفاده نکنید. این برنامه ها می توانند به اطلاعات خصوصی شما دست یابند.
- هرگز تصویرها و عکس های خانوادگی خود را در شبکه های اجتماعی منتشر نسازید.
- با توجه به امکانات شبکه های اجتماعی و امکان تعیین سطح دسترسی به اطلاعات، شما می توانید اطلاعات ضروری شخصی خود را فقط برای افراد مشخص منتشر کنید.